

ما زن و مرد جنگیم
بجنگ تا بجنگیم!



جنايات فراموش نشدنى و نابخشودنى

اسامى كشته شدگان
در خيزش كنونى ايران

ما زن و مرد جنگیم بجنگ تا بجنگیم!

کتابچه اسامی کشته شدگان در خیزش کنونی ایران

۳ مقدمه
۴ شعر: سرنگونش کنیم
۶ اسامی کشته شدگان در خیزش کنونی ایران
۲۴ جانباختگان در سرکوب معترضان سال ۱۳۷۸ ایران
۲۵ شکنجه‌گاه‌های معروف در ایران

مردادماه ۸۸

یاران نشریه دانشجویی بذر

bazr1384.blogfa.com

bazr1384.com

bazr1384@gmail.com

گیرم که می زنید،

گیرم که می کشید،

با رویش ناگزیر جوانه ها چه می کنید؟!

این جزوه را تقدیم می کنیم پیش از همه، به مادران و افراد خانواده یاران جانباخته در خیزش نوین مردم ایران. به کسانی که با بار سنگین اندوه، استوار ایستاده اند. به کسانی که با شعله خاموشی ناپذیر خشم در دل، فریاد آزادی سر می دهند و از افشای رژیم استثمار و ستم و جنایت باز نمی ایستند. طی بیش از ۳۰ سال که از حاکمیت ارتجاعی مذهبی در ایران می گذرد، تعداد بیشماری از فرزندان مبارز و آگاه مردم به دست رژیم به قتل رسیده اند. تعداد بسیار بیشتری زندان و شکنجه را به جان خریده اند؛ و همه این جنایات برای این انجام شده که موجودیت و منافع کل جمهوری اسلامی، فارغ از این یا آن جناح، حفظ شود. اوج این جنایات، قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ بود. اینک خون های پاکى که ۲۱ سال پیش ریخته شد، به رود خون های جوان امروز پیوسته است. اینک، خشم و نفرتی که سال به سال روی هم انباشته شده، می رود تا به یک انفجار عظیم سیاسی و اجتماعی منجر شود. باشد تا این بار آگاهانه، و بر مبنای یک دورنمای روشن و اهداف و خواسته های مشخص، پیشرو و نوین، راه پیروزی را ببیماییم.

در این جزوه تلاش کرده ایم نام، برخی مشخصات و تصویر گروهی از دختران و پسران را که به دست مزدوران جمهوری اسلامی در خیابان ها یا در شکنجه گاه ها کشته شده اند را گردآوری کنیم. این اطلاعات، حاصل کار شمار زیادی از افراد شناخته و ناشناخته است که طی دو ماه اخیر، هر خبری در مورد جانباختگان را به سایت ها و وبلاگ های مختلف رسانده اند.

بدون شک این لیست کامل نیست. متأسفانه ابعاد جنایت گسترده تر از اینهاست و در جریان تحولات جاری، ما با صدها مورد از ناپدید شدگان روبرویم. همینجا از همه کسانی که این جزوه را در دست دارند می خواهیم که هرگونه اطلاعات تکمیلی در مورد جانباختگان این لیست، و نیز در مورد سایر یاران به خون خفته مان که هنوز نام و نشانی از آنان منتشر نشده را در اختیار همگان قرار دهند. شما می توانید اطلاعات خود در این مورد را به نشانی زیر ایمیل کنید:

Bazr1384@gmail.com

سرنگونش کنیم!

همزمانت را دریاب!
ایستاده ای به انتظار نوبت؟
نه!

پس همزمانت را دریاب!
نمی خواهیم اینگونه زندگی کنیم
ما رویای زندگی بهتر را در سر داریم
همه بشنوید!

حقایق نهفته در گفته هایمان را
امروز روز ماست: روز شورش!
تصمیم گرفته ایم
با رویای زندگی بهتر در سر

زندگی نو دیگر آغاز شده
پس کنار ننشین
هم زمانت را دریاب

ایستاده ای به انتظار نوبت؟
نه!

داری فکر چه می کنی؟
با رویای زندگی بهتر درس
می دانی که تنها نیستی!
ما می شنویم صدایت/ و پشتیبانت می شویم در این راه
امروز روز ماست: روز مبارزه!
هم زمانت را دریاب!

اگر از مرگ بهراسی / هیچ چیز بدست نخواهی آورد
اگر کنار بنشینی / سبک، سنگین کنی / هیچ چیز بدست نخواهی آورد!
تصمیم بگیر!

هم زمانت را دریاب!
ما می شنویم صدایت/ و پشتیبانت می شویم در این راه
امروز روز ماست: تکانش دادیم!

ایستاده ای به انتظار نوبت؟

نه!
پس کنار منشین
حساب چه را می کنی؟
امروز روز ماست: روز دگرگونی نظام!
پس همزمانت را دریاب
این دنیای ماست
تصمیم بگیر همان باشی که می توانی باشی!
می توانیم سرنگونش کنیم!
آزادی را مزه کن!
امروز روز ماست: روز شورش!
خشم را به استبداد، به ستم، به خرافه نشان بده
چنانکه دنیا را بلرزاند!
امروز روز ماست! روز مبارزه
می رویم تا سرنگونش کنیم باید سرنگونش کنیم!
کار ما اشتباه نیست
به هیچ وجه
پس می رویم که تغییرش دهیم/ می رویم که در هم شکنیم
باید سرنگونش کنیم / درهمه جا
امروز روز ماست/ روز آزادی، روز پیروزی!

زخمی که تنها مرهمش سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است!
مجازات آمران و عاملان کشتارها در این ۳۰ سال وظیفه
تخطی ناپذیر مبارزین بخصوص مبارزین نسل جوان است!



ندا آقاسلطان:

(بهمن ۱۳۶۱ در تهران - ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ در تهران) در جریان اعتراضات مردمی به نتایج انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ در روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ (۲۰ ژوئن ۲۰۰۹) در محله امیر آباد تهران (خیابان کارگر شمالی، تقاطع خیابان شهید صالحی و کوچه خسروی) به ضرب گلوله کشته شد. «ندا» در خارج از ایران و در ایران، بعنوان سمبل ندای اعتراض ایرانیان و ندای آزادی خواهی ایرانیان و سمبل صدای اعتراض دموکراسی خواهان در این اعتراضات شناخته می‌شود. محل دفن: بهشت زهرا قطعه ۲۵۷ ردیف ۴۱ شماره ۳۲



سهراب اعرابی:

سهراب اعرابی ۱۹ ساله؛ سال آخر دبیرستان و آماده برای امتحان کنکور در جریان خیزش انقلابی در روز شنبه ۳۰ خرداد بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل می‌شود. بعد از پیگیریهای پی در پی خانواده بخصوص مادرش متوجه می‌شوند که وی در زندان اوین است. مادر این جوان در روز سه شنبه ۱۶ تیر با گذاشتن کفالت در دادگاه انقلاب هر روز بعد از ظهر منتظر آزادی فرزندش بود، با وجود این که این مادر می‌دانست که فرزندش در زندان اوین است، ولی خیلی نگران بود و می‌گفت می‌ترسم بچه ام را بکشند. این مادر عکسی از فرزندش تهیه کرده بود و به هر زندانی که آزاد می‌شد عکس عزیزش را نشان می‌داد و از آنها می‌پرسید که آیا او را می‌شناسند و یا در زندان دیده‌اند؟ او می‌گفت به هر کجا و هر کسی مراجعه می‌کنم جواب نمی‌دهند و می‌گویند صبر کن آزاد می‌شود. این مادر کارش از صبح تا شب جلو زندان ماندن شده بود تا اینکه يك دفعه از طرف قاضی مرتضوی خبر آمد که سهراب اعرابی در زندان درگذشته است. خانواده اش را خبر کنید تا جنازه فرزندشان را تحویل بگیرند.



اشکان سهرابی (۱۳۶۸ - ۳۰ خرداد ۱۳۸۸):

جوانی بود که در جریان اعتراضات مردمی به نتایج انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ در روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ بر اثر اصابت سه گلوله به سینه‌اش درگذشت. محل دفن: قطعه ۲۵۷ بهشت زهرا ردیف ۵۰ شماره ۱۹- خواهر اشکان درباره ماجرای قتل و آخرین دیدار با برادرش چنین گفته است:

من به همراه مادرم در منزل بودیم. اشکان تازه از باشگاه برگشته بود. به ما گفت مردم در خیابان‌ها در حال تظاهرات هستند و همه جا آتش گرفته است. گفت که با زحمت به منزل رسیده است و نیروهای گارد ویژه همه خیابان‌های اطراف را بسته‌اند و مردم را متفرق می‌کنند. مادرم از من خواست که مانع از برگشتن اشکان به خیابان شوم. من هم تمام تلاشم را کردم که حواس اشکان را به مسائلی غیر از خیابان بکشانم، اما شلوغی‌های خیابان ما هر لحظه بیشتر می‌شد. مردم به کوچه‌ها و منازل پناه می‌بردند. صدای شعارهای مختلفی را می‌شنیدیم و صدای تیراندازی و بوی گاز اشگ‌آور همه جا را گرفته بود. از اشکان خواستم که به خیابان نرود. اما او آخرین حرفش را به من زد و از خانه خارج شد: «نگران نباش، بر می‌گردم.»



ترانه موسوی (۱۳۶۰ - ۱۳۸۸):

ترانه موسوی، دختر جوانی که در تجمع مسجد قبا توسط نیروهای لباس شخصی و بسیجی بازداشت شده بود.

پس از چند هفته بی خبری سرانجام پیدا شد.

از ترانه جز جسد سوخته‌ای در حوالی قزوین چیزی باقی نمانده است و نیروی انتظامی خانواده او را با تهدید و ارباب وادار به سکوت کرده‌اند. ترانه موسوی بنا بر شهادت چند بازداشتی دیگر، آخرین بار در مقر پایگاه بسیج در حین بازجویی دیده شده است. نیروی بسیجی پس از آن این دختر جوان را از دیگر بازداشتیان جدا کردند و به او تجاوز جنسی کردند. ترانه موسوی

چندین بار و توسط چندین بسیجی به وحشیانه ترین شکل ممکن مورد تجاوز قرار گرفت. بر اثر شدت جراحات وارده به رحم و مهبل بیهوش شد. بسیجیان که دیدند کار به جای باریک کشیده است بدن نیمه جان او را به بیمارستان امام خمینی کرج بردند، به این امید که پارگی رحم و مهبل و مقعد او را به سانحه تصادف رانندگی نسبت دهند. در بیمارستان اما با معاینه پزشک معلوم می شود که علت جراحات وارده نه سانحه تصادف بلکه تجاوز جنسی بوده است. نیروهای بسیجی که به شدت سراسیمه و نگران شده بودند با مشورت و هماهنگی مقامات بالاتر خود پیکر نیمه جان و بیهوش ترانه را از بیمارستان خارج می کنند و به کلیه پرسنل بیمارستان دستور اکید می دهند در این باره سکوت کنند و با احدی صحبت نکنند. پرستاری که نمی خواهد نامش فاش شود اما، ترانه موسوی را شناسایی می کند. نیروهای بسیجی او را به یکی از بیابانهای خلوت اطراف قزوین می برند. در همان حال که بی هوش بوده مجدداً به او تجاوز می کنند و بعد بر روی تن نیمه جاننش بنزین ریخته و او را به آتش می کشند. به امید اینکه کلیه آثار و نشانه های تجاوز را از بین ببرند.



کیانوش آسا:

متولد کرمانشاه، دانشجوی ترم چهارم کارشناسی ارشد رشته مهندسی شیمی در دانشگاه علم و صنعت ایران بود. او در جریان تظاهرات روز دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ در میدان آزادی تهران ناپدید شد و روز ۳ تیر ماه ۱۳۸۸ در سردخانه پزشکی قانونی توسط خانواده اش شناسایی شد. آسا در اثر اصابت دو گلوله توسط لباس شخصی ها کشته شد. پیکر کیانوش در شهر کرمانشاه به خاک سپرده شد. مراسمی به مناسبت یادبود این جان باخته در دانشگاه علم و صنعت ایران در ۷ تیر با وجود تهدید گسترده مسئولان دانشگاه و وزارت اطلاعات برگزار شد.



یعقوب بروایه (تیر ۱۳۶۱ - تیر ۱۳۸۸):

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تئاتر در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تهران، روز چهارم تیر ماه توسط نیروهای بسیج از بام مسجد لولاگر مورد اصابت گلوله قرار گرفت، از ناحیه سر مجروح شد و بلافاصله توسط دوستانش به بیمارستان لقمان انتقال یافت اما به رغم تلاش پزشکان برای جان وی، در نهایت دچار مرگ مغزی شد و به شهادت رسید. یعقوب بروایه فرزند دوم یک خانواده پنج نفری و اهل اهواز بود. وی متولد تیرماه ۱۳۶۱ بوده و در هنگام مرگ تنها ۲۷ سال سن داشت. به نوشته برخی سایت های خبری یعقوب بروایه که در کنترل کامل مامورین تحت مداوا قرار داشت، از این حادثه جان سالم به در نبرد. او تنها دقایقی پیش از مرگ چشم گشود، دستان مادرش را گرفت و زیر لب گفت: مادر من برای آزادی کشته شدم... و چشم فروبست. گفته می شود مأموران امنیتی پیکر بی جان یعقوب را تحویل گرفتند و به محل نامعلومی بردند و سرانجام بعد از ۴۸ ساعت به خانواده او اطلاع دادند جسد یعقوب به خاک سپرده شده است. مأموران از خانواده او تعهد گرفته اند که از هرگونه اطلاع رسانی و برگزاری مراسم برای او خودداری کنند.



محمد کامرانی:

جوان ۱۸ ساله‌ای بود که در جریان نا آرامی‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۸۸ در روز ۱۸ تیر در نزدیکی میدان ولیعصر تهران دستگیر شد و به بازداشتگاه کهریزک انتقال یافت. طبق گفته خانواده وی، محمد را در حالیکه تقریباً نیمه جان بوده و سراسر بدنش علائم باتوم و شکنجه بوده به تخت بیمارستان بسته بودند، تا امکان فرار نداشته باشد. با تلاش خانواده بالاخره می توانند محمد را از بیمارستان لقمان مرخص و بلافاصله به بیمارستان مهر منتقل می کنند. اما در آنجا پزشکان متخصص می گویند با توجه به اینکه عفونت تقریباً تمام بدن را فرا گرفته امیدی در بهبود نیست و محمد ظرف کمتر از ۳ ساعت در تاریخ ۲۵ تیر جان می بازد.



مهدی کرمی:

یکی از کشته‌شدگان اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم در ایران است. وی در تقاطع خیابان جنت آباد و خیابان کاشانی تهران در عصر روز دوشنبه، ۲۵ خرداد، بر اثر اصابت گلوله به گلویش، کشته شد. به گفته «مجموعه فعالان حقوق بشر ایران»، او ۲۵ سال سن داشت.



مصطفی غنیان:

دانشجوی مهندسی دانشگاه صنعتی شریف بود که در جریان حمله نیروهای پلیس و سپاه به کوی دانشگاه در ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ کشته شد. محل دفن: مشهد.



محسن روح الامینی نجف‌آبادی:

یکی از کشته‌شدگان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم است که در زندان اوین به قتل رسید. روح‌الامینی که دانشجوی انصرافی رشته کامپیوتر دانشگاه تهران بود در تجمع روز ۱۸ تیر دستگیر و به زندان اوین منتقل شد و در ۱ مرداد جنازه‌اش به خانواده‌اش تحویل داده شد. وی فرزند عبدالحسین روح‌الامینی، رئیس انستیتو پاستور ایران، عضو جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی و مشاور انتخاباتی محسن رضایی بود.



بهمن جنابی:

۲۰ ساله، شاغل در مغازه نصب و تعمیرات شوفاژ. وی به گواه شاهدان توسط نیروهای لباس شخصی در حین تظاهرات علیه جمهوری اسلامی به ضرب گلوله به قتل رسید.



میثم عبادی:

نوجوان ۱۷ ساله‌ای بود که در جریان اعتراضات پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری در روز ۲۳ خرداد در میدان تجریش تهران کشته شد.



مسعود هاشمزاده:

یکی از کشته‌شدگان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم است که در ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ به ضرب گلوله نیروهای حکومتی، جان باخت. مسعود هاشمزاده ۲۷ ساله و دارای دیپلم رشته علوم تجربی بود. به گفته برادر مسعود، وی در زمینه موسیقی و طراحی فعالیت می‌کرد و ۹ سال بود که سنتور می‌نواخت.



امیر جوادی فر:

متولد ۱۳۶۳ دانشجوی مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد واحد قزوین، که در روز ۱۸ تیر ماه در خیابان ۱۶ آذر بعد از ضرب و شتم توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی به شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شده بود. بعد از یک ساعت در حالی که خانواده اش هنوز نگران سلامتی و بهبود او بودند به نقطه نامعلومی منتقل شد. صبح ۳ مرداد به خانواده اش اطلاع داده شد که برای شناسایی و تحویل جسدش به پزشکی قانونی کهریزک مراجعه کنند.



ناصر امیرنژاد (زاده ۱۳۶۲، مرگ ۲۵ خرداد ۱۳۸۸، تهران):

دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته هوا- فضا بود که در جریان راهپیمایی مردم تهران در میدان آزادی (در ابتدای خیابان محمد علی جناح در تیراندازی از ساختمان بسیج) در ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ کشته شد. پیکر این دانشجو در ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ در یاسوج تشییع و به خاک سپرده شد.



حسین طهماسبی:

جوان ۲۵ ساله می باشد که در جریان تجمعات اعتراضی روز دوشنبه ۲۵ خرداد ماه در خیابان نوبهار کرمانشاه مورد حمله ی مأموران مسلح وابسته به دولت قرار گرفته و در اثر ضربات وارده به قتل رسیده است. حسین طهماسبی بر اثر ضربات متعدد باتوم و اصابت این ضربات به سر توسط نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی کشته شد. حسین به هیچیک از کاندیداها رأی نداده بود و آن روز برای اعتراض به خفقان و استبداد جمهوری اسلامی به خیابان آمده بود. یکی از دوستان حسین می گوید صدها تن از مردم از نزدیک شاهد مرگ وی بودند.



داوود نعیم آبادی:

او توسط قاتلان گردان ۱۱۷ عاشورا در میدان آزادی به ضرب گلوله به قتل رسید پیکر او را روز ۳۱ خرداد به خانواده اش تحویل دادند.



داوود صدری:

۲۷ ساله؛ روز ۲۵ خرداد در جریان تظاهرات میلیونی مردم تهران تیر خورده و به بیمارستان امام علی منتقل می شود. روز شنبه ۳۱ خرداد خانواده برای آوردن داوود به خانه به بیمارستان رفته که مطلع می شوند فرزندشان درگذشته است. روز یکشنبه ۱ تیر در قبرستان بهشت شهدای ملارد دفن می شود. گزارش شده که مقامات جمهوری اسلامی ۳۵۰ هزار تومن بابت پول تیر و ۶ میلیون هم بابت تحویل جنازه از خانواده داوود درخواست کرده اند. همچنین گزارشات حاکی از آن بوده که به خانواده داوود توصیه کرده اند که اعلام کنند او بسیجی بوده و توسط مردم به قتل رسیده است.



سعید عباسی فرگلچی:

۲۴ ساله، فروشنده کیف و کفش، کسبه ساکن خیابان رودکی (سرسیبل)، مجرد، هویت یکی دیگر از جان باختگان اعتراضات روز شنبه در تهران است. سعید در خیابان رودکی تقاطع بوستان سعدی مقابل بانک پاسارگاد مورد اصابت گلوله قرار گرفته، جان می سپارد. وی کارگر کفش آرام در خیابان رودکی جنوب خیابان دامپزشکی بوده است.



بهزاد مهاجر:

از دستگیرشدگانی که در تجمع روز ۲۵ خرداد بازداشت شده بود، به شهادت رسیده است. خانواده وی پس از ۴۶ روز بی خبری روز گذشته جسد وی را در سردخانه کهریزک شناسایی کردند. بهزاد مهاجر ۴۷ سال داشته و طی این مدت اقوام او به دنبال نشانی بهزاد به دادگاه انقلاب، زندان اوین و مراکز قضایی مراجعه کردند، اما مسئولین از ارائه پاسخ مشخص به آنها خودداری می کردند. به گزارش خبرنگار امیرکبیر روز گذشته و پس از ۴۷ روز آزار و اذیت این خانواده، جسد بهزاد مهاجر به خواهر وی نشان داده شده است. خانواده مهاجر تأکید کردند جسد بهزاد روز ۳۱ خردادماه تحویل پزشکی قانونی شده است اما تا دیروز شنبه در خصوص کشته شدن فرزندشان خبری به این خانواده سرگردان داده نشده است. به نظر می رسد وی بر اثر اصابت گلوله در سینه اش درگذشته است. جسد وی در قطعه ۲۰۸ بهشت زهرا خاک شد.



سجاد قائد رحمتی:

یکی از کشته شدگان اعتراضات مردمی پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم در ایران است که در خیابان آزادی کشته شد. سجاد اهل **شهرستان دورود** استان لرستان بود و به همراه خانواده اش در این شهر زندگی می کرد. در تابستان به علت فقر خانواده به تهران برای کار رفته بود.



رامین قهرمانی:

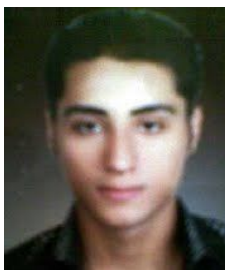
متولد سال ۱۳۵۸ - محل سکونت: خیابان شهرآرا. در درگیری های روزهای پس از انتخابات، مأموران از طریق دوربین مدار بسته یک بانک چهره رامین قهرمانی را شناسایی کرده و برای دستگیری وی به منزلش مراجعه می کنند. به دلیل عدم حضور رامین قهرمانی در منزل مأموران

به مادر او می گویند که فرزندش هرچه زودتر خود را معرفی کند. رامین ۱۵ روز بعد از اینکه با پای خود برای دفاع از بیگناهیش رفته بود، با بدنی که آثار شکنجه بر آن نمایان بود، از زندان آزاد و پس از دو روز بر اثر جراحات وارده در آغوش مادر به شهادت رسید. او پس از آزادی به مادرش گفته که چندین روز از پا او را آویزان کرده اند. شهید رامین قهرمانی پس از آزادی به دلیل لخته های خون موجود در سینه اش در بیمارستان بستری و به شهادت میرسد. خانواده قهرمانی تحت فشار شدید برای منع انتشار خبر شهادت فرزندشان هستند. آنها تحت تدابیر شدید امنیتی فرزند خود را به خاک سپردند. تا جایی که پس از مراسم خاکسپاری به دلیل تهدیدات نیروهای امنیتی مبنی بر اینکه سر مزار فرزند شهیدشان حق ندارند با صدای بلند گریه کنند و شیون سردهند، ۵ نفر از اعضای فامیل او دچار فشارهای عصبی شدید شده تا جایی که برخی از آنها کارشان به بیمارستان کشیده شده است.



کامبیز شعاعی:

در جریان حمله انصار حزب الله و لباس شخصی ها به کوی دانشگاه در شامگاه ۲۴ خرداد مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفته و جان خود را از دست داد. گفته می شود پیکر این دانشجو بدون اطلاع به خانواده ایشان و مخفیانه در گورستان بهشت زهراي تهران به خاک سپرده شده است.



حسین اکبری:

یکی دیگر از جوانانی است که پس از بازداشت شدن توسط نیروهای امنیتی در اعتراض های روزهای پس از انتخابات ایران، کشته شده است.

ین در حالی است که تا تاریخ ۸۸/۴/۳۰ و با پی گیری خانواده اش از طریق دادگاه انقلاب و بازداشتگاه اوین و دیگر بازداشتگاه های موجود در تهران، هیچ اطلاعی از سرنوشت وی یا محل نگهداری اش در دست نبود.

در روز ۸۸/۴/۳۱ با تماسی که با خانواده اش گرفته شد، از آن ها خواسته شد تا به بیمارستان امام خمینی، برای تحویل گرفتن جسد فرزند خود مراجعه کنند و با مراجعه ای آن ها مشخص شده است که دلیل کشته شدن وی بر اثر ضربه ای مغزی بوده و روی بدن او آثار متعدد باتوم دیده شده

است. همچنین تاریخ دقیق شهادت‌اش مشخص نیست و پیکر وی صبح روز یکشنبه ۸۸/۵/۴ در قطعه‌ی ۲۱۹ بهشت زهرا تهران در کنار مادر مرحوم وی به خاک سپرده شد.



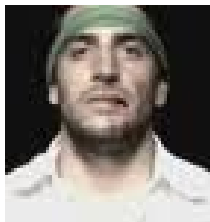
علیرضا افتخاری:

۲۴ ساله خبرنگار ابرار اقتصادی. جسد علیرضا افتخاری، که در جریان جنبش اخیر مفقود شده بود؛ بعد از ۲۵ روز بی اطلاعی خانواده اش؛ روز دوشنبه ۲۲ تیر تحویل خانواده اش داده شده است.



حسین اخترزند:

یکی از جانب‌باختگان حوادث اخیر در اصفهان، محله مسجد لنبان، فردی به نام میبانشکه مجر دبوته است و در عین حال نان آور خانواده و خواهران و برادرانش بوده است



حمید مداح شورچه:

دانشجو. همراه با گروهی در صحن مسجد گوهرشاد دست به تحصن زد که توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد. او در مدت بازداشت تحت شکنجه قرار گرفت تا در روز آزادی وی به دلیل شدت جراحات وارده جان سپرد. پزشکی قانونی علت مرگ وی را خونریزی مغزی اعلام کرده است. گفتنی است مراسم یادبود او روز یکشنبه ۱۴ تیر برگزار شد.



امیرحسین طوفان پور:

در تظاهرات روز ۳۰ خرداد توسط نیروهای امنیتی در خیابان دستگیر شد. بر اساس اظهارات شاهدان عینی مزدوران ابتدا به شدت با چماق به دستش می زدند به شکلی که دستش کاملا شکسته و از بدن آویزان می شود. سپس با گلوله به سرش شلیک کرده و این جوان را در این تظاهرات به قتل می رسانند. محل دفن حسین در قطعه ۲۳۳ بهشت زهرا ثبت شده است. از خانواده طوفان پور ۲۴ میلیون تومان پول تیر خواسته اند، اما آنها قبول نکرده و به مزدوران گفته اند ما چنین پولی را پرداخت نمی کنیم هر جا خودتون خواستید دفن کنید.



مصطفی کیارستمی:

پسر جوانی ۲۲ ساله بود که در روز ۲۶ تیر ۱۳۸۸ در نماز جمعه تهران شرکت کرد و در این روز بر اثر ضربه باتوم به سرش جان باخت. مصطفی کیارستمی در مقابل دانشگاه تهران به دست نیروهای بسیجی و لباس شخصی مضروب می شود به نحوی که دیگر قادر به بازگشت به خانه نبوده است و در تماس تلفنی از مادرش تقاضای کمک می کند. پس از آن که مادر مصطفی او را به خانه باز می گرداند، متوجه وخامت حال وی می شود تا این که او را به بیمارستان کسری تهران انتقال می دهد. این جوان به علت خونریزی مغزی ناشی از اصابت باتوم، همان شب فوت می کند اما علت مرگ او سکنه مغزی اعلام می شود.

علیرضا نوجوان ۱۲ ساله بر اثر اصابت ضربه ی باتوم جان باخت

علیرضا همراه با پدرش برای شرکت در چهلم شهدای سرکوب اخیر به بهشت ندا رفته بودند. در هنگام بازگشت لحظه ای دست علیرضا از دست پدرش جدا می شود، در این هنگام دست او از زندگی کوتاه می شود. علیرضا بر اثر اصابت ضربه ی باتوم که به سرش خورد دچار خونریزی مغزی شد و به شهادت رسید. علیرضا فقط ۱۲ سال داشت.



پریسا کلی:

۲۵ ساله فارغ التحصیل رشته ادبیات به دلیل اصابت گلوله به گردن در یکشنبه ۳۱ خرداد در بلوار کشاورز جان باخت و سه شنبه ۲ تیر در قطعه ۲۵۹ به خاک سپرده شد

محسن حدادی:

۲۴ ساله طراح برنامه های کامپیوتری شنبه ۳۰ خرداد به دلیل اصابت گلوله بر پیشانی در خیابان نصرت جان باخت و سه شنبه ۲ تیر در قطعه ۲۶۲ به خاک سپرده شد.

محمد نیکزادی:

۲۲ ساله فارغ التحصیل عمران در سه شنبه ۲۶ خرداد به دلیل اصابت گلوله به سینه در میدان ونک جان باخت و شنبه ۳۰ خرداد در قطعه ۲۵۷ به خاک سپرده شد.

محمد حسین برزگر:

۲۵ ساله، دیپلم شغل آزاد به دلیل اصابت گلوله به سر در تاریخ چهارشنبه ۲۷ خرداد در میدان هفت تیر جان باخت و در یکشنبه ۳۱ خرداد بعد از تعهد گرفتن از خانواده در قطعه ۳۰۲ به خاک سپرده شد.

ایمان هاشمی:

۲۷ ساله شغل آزاد به دلیل اصابت گلوله به چشم شنبه ۳۰ خرداد در خیابان آزادی جان باخت و چهارشنبه ۳ تیر در قطعه ۲۵۹ به خاک سپرده شد.

علی شاهی:

۲۴ ساله بعد از دستگیری و انتقال به کلانتری در تهرانپارس یکشنبه ۳۱ خرداد به دلایل نامعلوم در کلانتری جان باخت. پزشکی قانونی علت مرگ وی را نامشخص اعلام کرده، اما خانواده وی معتقدند به علت ضربات باتوم در کلانتری جان باخته است. وی ۴ تیر در قطعه ۲۵۷ به خاک سپرده شد.

واحد اکبری:

۳۴ ساله شغل آزاد و متأهل دارای یک دختر ۳ ساله؛ در شنبه ۳۰ خرداد به دلیل اصابت گلوله به پهلو در خیابان ونک جان باخت و سه شنبه ۲ تیر در قطعه ۲۶۱ به خاک سپرده شد.

سید رضا طباطبایی:

۳۰ ساله لیسانس حسابداری، کارمند به دلیل اصابت گلوله به سر در ۳۰ خرداد در خیابان آذربایجان جان باخت و چهارشنبه ۳ تیر بعد از تعهد گرفتن از خانواده در قطعه ۲۵۹ به خاک سپرده شد.

ابوالفضل عبدالمهدی:

۲۱ ساله فوق دیپلم برق ۳۰ خرداد در مقابل دانشگاه صنعتی شریف به دلیل اصابت گلوله به پشت سر جان باخت و سه شنبه ۲ تیر در قطعه ۲۴۸ به خاک سپرده شد.

نادر ناصری:

۳۰ خردادماه در خیابان خوش جان باخت، محل دفن بابل.

سالار ظهاسبی:

۲۷ ساله دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی رشت، شنبه ۳۰ خرداد در خیابان جمهوری به دلیل اصابت گلوله به پیشانی جان باخت و دوشنبه ۲ تیر در قطعه ۲۵۴ به خاک سپرده شد.

کاوه علی پور:

۱۹ ساله، شنبه ۳۰ خردادماه در تهران به قتل رسید. بنا به گزارش وال استریت ژورنال: حکومت برای پس دادن جنازه کاوه علی پور معادل ۳۰۰۰ دلار پول گلوله از خانواده اش خواسته است!

وحید رضا طباطبایی:

۲۹ ساله لیسانس زبان انگلیسی چهارشنبه ۳ تیر در بهارستان به دلیل اصابت گلوله به سر جان باخت و ۶ تیر، در قطعه ۳۰۸ به خاک سپرده شد.

فهیمة سلحشور:

۲۵ ساله دیپلم یکشنبه ۲۴ خرداد به دلیل اصابت باتوم به سر و خونریزی داخلی در میدان ولیعصر بعد از انتقال به بیمارستان در تاریخ ۲۵ خرداد جان باخت و ۲۷ خرداد در قطعه ۲۶۶ به خاک سپرده شد.

شلیر خضری:

دانشجو، اهل شهر پیرانشهر، روز ۱۶ ماه ژوئن، به هنگام حمله و یورش نیروهای رژیم به دانشگاه تهران، جان خود را از دست داده است. پیکر شلیر در شهر پیرانشهر، از سوی خانواده اش به خاک سپرده می شود.

فاطمه براتی:

در جریان حمله انصار حزب الله و لباس شخصی ها به کوی دانشگاه در شامگاه ۲۴ خرداد مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفته و جان خود را از دست داد. گفته می شود پیکر این دانشجویان بدون اطلاع به خانواده ایشان و مخفیانه در گورستان بهشت زهرا تهران به خاک سپرده شدند.

کسری شرفی:

در جریان حمله انصار حزب الله و لباس شخصی ها به کوی دانشگاه در شامگاه ۲۴ خرداد مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفته جان خود را از دست داد. گفته می شود پیکر این دانشجو بدون اطلاع به خانواده ایشان و مخفیانه در گورستان بهشت زهرا تهران به خاک سپرده شده است.

سرور برومند:

۵۸ ساله که به اتفاق دخترش فاطمه رجب پور در جریان تیراندازی نیروهای نظامی به مردم در تاریخ ۲۵ خردادماه در خیابان محمدعلی جناح جان باخت. همسرش ابراهیم رجب پور می گوید: به کمر و گلوی زن و دخترم تیر زده بودند. وقتی رسیدیم هردو غرق خون بودند. تشخیص پزشکان این است که در همان لحظه اصابت گلوله کشته شده اند.

فاطمه رجب پور:

۳۸ ساله که به اتفاق مادرش سرور برومند در جریان تیراندازی نیروهای نظامی به مردم در تاریخ خردادماه در خیابان محمدعلی جناح جان باخت. پدر فاطمه ابراهیم رجب پور می گوید: به کمر و گلوی زن و دخترم تیر زده بودند. وقتی رسیدیم هردو غرق خون بودند. تشخیص پزشکان این است که در همان لحظه اصابت گلوله کشته شده اند.

فرزاد جشنی:

جوانی ایلامی فرزند سید جعفر، اهل شهرستان آبدانان ایلام، که برای امرار معاش در تهران به سر می برده است، در اثر حمله ی نیروهای رژیم جان خود را از دست داد. پیکر فرزاد با تدابیر امنیتی و با جلوگیری از اطلاع رسانی، در ۱۹ ماه ژوئن، در شهر آبدانان به خاک سپرده شد.

محسن ایمانی:

در جریان حمله انصار حزب الله و لباس شخصی ها به کوی دانشگاه در شامگاه ۲۴ خرداد مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفته و در این بین جان خود را از دست داد. گفته می شود پیکر این دانشجو بدون اطلاع به خانواده ایشان و مخفیانه در گورستان بهشت زهرا تهران به خاک سپرده شده است.

میبا احترامی:

دانشجوی بهبهانی دانشگاه تهران در جریان حمله انصار حزب الله و لباس شخصی ها به کوی دانشگاه در شامگاه ۲۴ خرداد مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفته و جان خود را از دست داد. بهبهان شنبه ۳۰ خرداد در سوگ میبا نشست و خانواده داغدارش را یاری نمود. مادر میبا دیروز در میان ضجه هایی جانشوز گناه کشته شدن عزیز خود را از مسئولان می پرسید و از مردم می خواست نگذارند خون عزیزش اینگونه پایمال شود.

پویا مقصود بیگی:

دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه. او در تاریخ ۳۰ خرداد ۸۸ توسط نیروهای امنیتی کرمانشاه دستگیر و تحت شکنجه های وحشتناک در زندان کرمانشاه قرار می گیرد و پس از آزادی فوت می کند. مادرش بهجت (زهرا) نوذری که برای اعتراض و دادخواهی به کشته شدن فرزندش بدن خود را گل گرفته و در مقابل اداره اطلاعات کرمانشاه به تنهایی تحصن کرده بود، در ساعت ۱۰ شب اولین روز تحصن خود دستگیر شده است و تا کنون اطلاعی از او در دسترس نیست.

تینا سودی:

دانشجو، روز شنبه ۳۰ خرداد توسط گلوله ای در میدان انقلاب به قتل می رسد. اما مأموران مزدور به خانواده سودی گفته اند که اگر می خواهید جسدش را بگیرید باید بگویید که با مرگ طبیعی مرده است.

سعید اسماعیلی خان ببین:

۲۳ ساله که بر اثر وارد شدن ضربه به سرش در حوادث تهران کشته شده است، در شهر خان ببین (استان گلستان) به خاک سپرده شده است. (جزئیات دقیق تر هنوز دریافت نشده است).

مسعود خسروی:

در ۲۵ خردادماه در میدان آزادی جان باخت، مدفون در بهشت زهرا.

سالار قربانی پارام:

۲۲ ساله، بود در تظاهراتهای اخیر جان باخت. جمهوری اسلامی علت فوت را تصادف اعلام کرده است. پدر ایشان در میدان انقلاب جنب بانک رفاه مغازه لباس فروشی دارد. در میرداماد مراسمی برای بزرگداشت وی برگزار شد.

ایمان نمازی:

دانشجوی رشته عمران دانشگاه تهران، ۲۵ خردادماه، کوی دانشگاه.

مریم مهر آدین:

۲۴ ساله در خیابان آزادی با شلیک گلوله جان باخت.

میلاذ یزدان پناه:

۳۰ سال در خیابان آزادی با شلیک گلوله جان باخت.

حامد بشارتی:

۲۶ ساله در خیابان آزادی با شلیک گلوله جان باخت.

بابک سپهر:

۳۵ ساله در خیابان آزادی با شلیک گلوله جان باخت.

امیر کویری:

فارغ التحصیل از دبیرستان تطبیقی تهران.

فرزاد هشتی:

اطلاعاتی در دست نیست.

ندا اسدی:

اطلاعاتی در دست نیست.

محرم چگینی قشلاقی:

فرزند میرزا قلی ۳۴ ساله، قطعه ۲۵۶ بهشت زهرا ردیف ۱۴۶ شماره ۱۳

محمد حسین فیضی:

فرزند غلامرضا ۲۶ ساله، قطعه ۲۵۷ بهشت زهرا ردیف ۳۱ شماره ۲۵

آقای معزز:

۲۷ ساله یکی از جانباختگانی است که در اعتراضات گسترده و خونین مردم تهران در ۳۰ خرداد ماه شرکت کرده بود. او حوالی میدان آزادی با اصابت گلوله به چشمش جان خود را فدای راه آزادی مردم ایران کرد.

رامین رضانی فرزند مهدی:

۲۲ ساله، قطعه ۲۵۷ بهشت زهرا ردیف ۴۶ شماره ۳۲

آرمان استخری پور:

۱۸ ساله از شیراز که در درگیری های چند روز اخیر (زمان مجروح شدن نامعلوم است) شیراز در محله ابیوردی مورد اصابت باتوم قرار گرفته و به کما رفته بود. او که به منزل پیرزنی در حوالی درگیریها پناه برده بود روز دوشنبه ۲۲ تیر جان باخت و پیکر این عزیز جان باخته سه شنبه ۲۳ تیر برابر با ۱۴ جولای در دارالرحمه شیراز به خاک سپرده شد. گفتنی است که پزشک آرمان علت مرگ وی را مرگ مغزی اعلام کرد.

مهرداد حیدری:

روزنامه نگار مشهدی. مهرداد نقدهای تندی بر وزارت اطلاعات و نیروهای امنیتی در روز شنبه ۲۰ تیر نوشته بود و نسبت به فشار بر جوانان برای اعتراف گیری اعتراضات شدیدی کرده بود. او روز یکشنبه ۲۱ تیر به طرز مشکوکی در مشهد به قتل رسید. به گزارش سایتهای انترنتی، حیدری که پیشتر در روزنامه خراسان فعالیت داشت، بنا به دلایلی به هفته نامه نسیم مشهد رفت و در آن نشریه در محیطی استانی به نوشتن پرداخت. وی خرداد ماه، با دعوت روزنامه خراسان رضوی به آن روزنامه رفت و در یادداشت های ثابت روزنامه حضوری فعال داشت. مهرداد حیدری در آخرین یادداشت خود ضمن انتقاد از وزارت اطلاعات در کسب اطلاعاتی ساختگی، این وزارتخانه را محکوم به نداشتن اطلاعاتی کرد که با فشار بر جوانان قصد به دست آوردن آن را دارد. حیدری در این یادداشت ضمن برشمردن نکات منفی جریانات اخیر ایران، آنها را دستمایه افرادی دانست که همیشه حق به جانب گرفته و بر دفاع از مردم حکایت می کنند.

علی فتحعلیان:

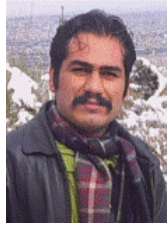
محل جان باختن: روبروی مسجد لولاگر. محل سکونت: خیابان رودکی، خیابان شکوفه (خمسه).

جعفر بروایه:

استاد دانشگاه چمران اهواز و دانشجوی مقطع دکترای دانشگاه تهران که برای شرکت در امتحانات به تهران رفته بود ۲۸ جون، ۷ تیر در تظاهرات میدان بهارستان شرکت می کند و از ناحیه سر مورد اصابت یک گلوله قرار می گیرد که بعد از آن به یکی از بیمارستانها ی تهران منتقل و قبل از رسیدن به بیمارستان جان می بازد. جسد وی توسط یکی از دوستان وی شناسایی و به اهواز منتقل و تحویل خانواده وی شد. مراسم دفن جعفر در حضور نیروهای امنیتی رژیم انجام گرفت.

حسن کاظمینی:

پدربزرگ وی به نام علی کاظمینی طی نامه سرگشاده ای به مطبوعات نوشته است: چند روز قبل نوه ۱۹ ساله ام حسن، به خیابان انقلاب رفت تا به همراه همفکرانش علیه حقی که از کف داده بود، تظاهرات کند. در جمعی که برای آن مجوز نداده بودند حاضر شد و عواملی به ادعای آنکه تجمع غیرقانونی است با جمعیت حاضر برخورد کردند و حسن دیگر به خانه برنگشت.



رفیق علیرضا داوودی:

از دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب اصفهان، در تاریخ ۷ مرداد ۸۸ در سن ۲۶ سالگی در بیمارستان درگذشت. رفیق علیرضا داوودی سردبیر نشریه دانشجویی راه خاکی در دانشگاه اصفهان، سخنران و سازمانده مراسم هشت مارس ۸۶ در اصفهان، سخنران و سازمانده مراسم ۱۳ آذر سال ۸۶ در اصفهان، سخنران مراسم اول مه سال ۸۷ در کامیاران، فعال و سازمان دهنده اعتراضات کارگری در اصفهان بود. علیرضا داوودی طی فعالیت در دانشگاه از تحصیل محروم شده و در ۲۴ بهمن ماه ۸۷ همزمان با بازداشت محمد پور عبدالله در تهران، در شهر شاهین شهر اصفهان بازداشت گردید. وی در تاریخ ۵ اردیبهشت ۸۸ با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد و در تاریخ ۷ مرداد ۸۸ در سن ۲۶ سالگی در بیمارستان درگذشت. علت مرگ رفیق علیرضا ابتدا افسردگی در اثر فشارهای روحی وارد شده بر وی در زندان عنوان شد. اما سپس مشخص شد که وی در بیمارستان درگذشته است و پزشکان علت مرگ را سکتة اعلام کرده اند؟!

جان باختگان در سرکوب معترضان سال ۱۳۷۸ ایران



فرشته علیزاده:

فعال دانشجویی دانشگاه الزهرا و مسئول برد انجمن این دانشگاه بود که در میان درگیری های پس از حمله شبه نظامیان انصار حزب الله و پلیس به خوابگاه دانشجویان در کوی دانشگاه تهران در **وقایع ۱۸ تیر ۱۳۷۸** ناپدید شد. علی اکبر موسوی خویندی نماینده مجلس ششم ۴ سال پس از واقعه ۱۸ تیر در همایشی که در **دانشگاه امیرکبیر تهران** برگزار شده بود، گفت فرشته علیزاده توسط ماموران امنیتی ربوده شد و هیچ نهادی مسئولیت آنرا به عهده نمی گیرد. مادر فرشته علیزاده بر اثر فشارهای روحی سکتة قلبی کرد و درگذشت. امیر فرشاد ابراهیمی (یکی از رهبران انصار حزب الله که از این گروه جدا و پس از ۱۸ ماه انفرادی و شکنجه و دو سال حبس ایران را ترک کرد) پیرامون قتل فرشته می گوید که او پس از بازداشت زیر شکنجه جان سپرده و در **گورستان خاوران** دفن شده است.



عزت الله ابراهيم نژاد:

فارغ التحصيل رشته حقوق از دانشگاه چمران اهواز و یکی از قربانیان حمله انصار حزب الله و نیروی انتظامی به خوابگاه دانشجویان در کوی دانشگاه تهران است. او فعالیت‌های سیاسی دیگری نیز در دوران دانشجویی داشته و دفتر شعری هم از وی پس از قتلش به چاپ رسید. عوامل قتل وی هیچگاه محاکمه نشدند و خود او پس از مرگ توسط دادگاه انقلاب متهم به اقدام علیه امنیت ملی شد. در ابتدا برخی از مقامات دولتی از قرار گرفتن نام او در لیست شهدا خبر دادند اما بنیاد شهید حاضر به قبول شهادت وی نشد.



تامی حامی فر (زاده: ؟ پیل دختر - درگذشت: تیر ۱۳۷۸، تهران):

دختر دانش‌آموزی است که به گفته منابع دانشجویی در جریان درگیری‌های خیابانی در اعتراض به حمله پلیس و شبه‌نظامیان هوادار حکومت به کوی دانشگاه تهران کشته شد. شورای متحصنین - نمایندگان دانشجویان تهرانی که از روز دوشنبه ۲۱ تیر تشکیل و مأمور پیگیری خواست دانشجویان و مذاکره با حکومت شدند - در روز شنبه ۲۶ تیر ۱۳۷۸ خبر کشته شدن این دختر دانش‌آموز را تأیید کرده و اعلام کرد که پیگیر سرنوشت سایر مفقودین است. در بیانیه شماره ۳ شورای متحصنین همچنین اعلام شد که جسد وی به پیل دختر منتقل و دفن شده‌است. تحویل اجساد کشته‌شدگان برای تشییع در تهران یکی از خواسته‌های اعلام‌شده شورای متحصنین در روز ۲۲ تیر ماه بود. این شورا تعداد دستگیرشدگان را نیز در حدود ۱۴۰۰ نفر اعلام کرد.

ضمیمه:

شکجه‌گاه‌های معروف در ایران

زندان اوین:

یکی از زندان‌های ایران و در منطقه اوین درکه در منطقه شمیران تهران قرار دارد.

قبل از انقلاب ۱۳۵۷

زندان اوین در اواخر پادشاهی محمدرضا شاه پهلوی ساخته شد. افرادی از گروه‌های مختلف کمونیست و انقلابی و دمکرات که اقداماتی سیاسی و یا نظامی علیه حکومت کرده بودند دستگیر

و به این زندان منتقل می‌شدند. از این گروه‌ها می‌توان از مجاهدین خلق و چریک های فدائی خلق نام برد.

کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷

کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ واقعه‌ای بود که طی آن چندین هزار نفر از زندانیان سیاسی در زندان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، مخصوصاً زندان اوین و همچنین در زندان‌های سراسر ایران در ماه‌های مرداد و شهریور ۱۳۶۷ اعدام شدند. زندانیان سیاسی آن زمان تهران در زندان‌های اوین و گوهردشت نگهداری می‌شدند و پس از حکم خمینی، رهبر ایران، مبنی بر اعدام «مرتدین»، «ملحدین» و «دشمنان قسم خورده نظام جمهوری اسلامی» اعدام‌ها در سطحی وسیعی در زندان‌های اوین و گوهردشت و دیگر زندان‌های شهرهای دیگر ایران به مرحله اجرا گذاشته شد.

زندانیان مشهور زندان اوین:

برخی از زندانیان مشهور زندان اوین، که مدتی از زندگی خود را در این زندان گذرانده یا در همانجا به قتل رسیدند به شرح ذیل اند:

- خسرو گل‌سرخ
- بیژن جزنی
- شکرالله پاک‌نژاد
- محمد حنیف‌نژاد
- اشرف دهقانی
- سعید سلطانپور

دیگر زندانها:

- زندان گوهردشت
- زندان رجایی‌شهر
- زندان قزل‌حصار
- بازداشتگاه توحید- بازداشتگاه ۲۰۹

۱- شکنجه گاه لوشان:

واقع در یک پادگان نظامی در جاده قزوین - رشت یکی از اماکنی است که برای بازداشت و شکنجه معترضان به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری دهم مورد استفاده قرار گرفت. این در حالی بود که مقامات ادعا می‌کردند بازداشت شدگان در شهرهای محل سکونتشان در بازداشت به سر می‌بردند و به شهرهای دیگر منتقل نشده اند.

۲- سوله پاسارگاد:

واقع در نزدیکی پاسگاه نعمت آباد (حوالی تهران، ابتدای جاده ساوه) یکی از شکنجه‌گاه‌ها و بازداشتگاه‌های غیرقانونی حکومت ایران است. نام این بازداشتگاه پس از اعتراضات انتخابات ریاست جمهوری دهم مطرح شد. زندانیان در این بازداشتگاه‌ها بنا به برخی گزارشات عریان نگهداری شده و در معرض تهدید به آزار جنسی قرار داشته و شکنجه می‌شوند. این مکان پیش از این کارخانه اسلحه سازی متعلق به وزارت دفاع بوده است.

۳- بازداشتگاه افسریه (قصر فیروزه):

که یک زندان نظامی در پادگان قصر فیروزه و تحت کنترل سپاه پاسداران است یکی از اماکنی بود که از سوی سپاه برای سرکوب و شکنجه معترضان به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری دهم به کار گرفته شد. مناطقی از شرق تهران، در محدوده شرق و شمال شرق محله قصر فیروزه محل سکونت و استقرار شمار زیادی از نیروهای آموزش‌دیده مسلح دولتی است. در تأسیسات و فروشگاه‌های این محلات، تابلوهای دو زبانه عربی و فارسی نیز به چشم می‌خورد. در سراسر این بخش از تهران تابلوی «عکسبرداری ممنوع» نیز به چشم می‌خورد.

۴- بازداشتگاه ۶۶ سپاه:

یکی از ده‌ها شکنجه‌گاهی است که برای دستگیری و آزار معترضان به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری دهم مورد استفاده قرار گرفت.

۵- سوله کهریزک یا کمپ کهریزک:

بازداشتگاهی است که در شهر سنگ از توابع شهری استان تهران قرار دارد. این بازداشتگاه در حدود سال ۱۳۸۰ برای اولین بار در عملیاتی موسوم به «جزیره» با هدف پاکسازی منطقه خاک سفید تهران مورد بهره‌برداری قرار گرفت. سپس با توسعه و ساخت و ساز آن پلیس امنیت نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران از آن برای نگهداری و شکنجه بعضی از بازداشت‌شدگان نظیر طرح اراذل و اوباش (بخشی از طرح ارتقای امنیت اجتماعی) استفاده کردند. این مکان در سطحی پایین‌تر از زمین قرار دارد و زندانیان در آن نمی‌توانند از حق استفاده از هواخوری استفاده کنند، استفاده از مستراح فقط یکبار در طول روز مجاز است و جیره غذایی زندانیان بسیار کم است. بازداشت‌شدگان در این مکان در بدو ورود مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند، فضای اختصاصی به هر فرد کمتر از یک متر مربع است. محمدباقر ذوالقدر جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران (که در دولت محمود احمدی‌نژاد جانشین وزیر کشور شد و فرماندهی عالی نیروی انتظامی نیز به فرمان علی خامنه‌ای- مقام رهبری- به وی سپرده شده‌است) در اختیار دارنده این سوله نام برده می‌شود. این بازداشتگاه قبلاً در دست نیروهای حزب الله لبنان حاضر در ایران بود و برخی اعضای فعال القاعده در ارتباط با لبنان و فلسطین نیز در این بازداشتگاه نگهداری می‌شدند. اما در سال‌های اخیر بازداشت‌شدگان ایرانی را نیز به این بازداشتگاه پنهانی می‌برند، از جمله دانشجویان زندانی. بسیاری از بازداشت‌شدگان مربوط به اعتراضات گسترده به نتایج انتخابات ریاست جمهوری دهم و سرکوب پس از آن نیز به این مکان برده شده و تحت شکنجه قرار گرفته‌اند. طی دو سال اخیر حداقل ۱۴ زندانی بر اثر خشونت زندانبانان یا عدم رسیدگی پزشکی جان خود را از دست داده‌اند.

مرهم این زخم چیست؟



مردادماه ۸۸

یاران نشریه دانشجویی بذر

bazr1384.blogfa.com

bazr1384.com

bazr1384@gmail.com